

**رابطه بین ساختار مالکیت متاثر از حاکمیت شرکتی و چگونگی عملکرد مالی
در اندازه‌های مختلف شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران**

عزیز گرد^۱. میثم مارزی^۲

۱. استادیار حسابداری دانشگاه پیام نور تهران غرب. تهران. ایران

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه پیام نور تهران غرب. تهران. ایران

چکیده

هدف از این مقاله، تعیین رابطه‌ی بین اجزای ساختار مالکیت در حاکمیت شرکتی؛ شامل ترکیب هیات مدیره و افشای اطلاعات با کیفیت عملکرد شرکت‌های می‌باشد. نمونه مورد بررسی؛ شامل ۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سه ساله‌ی ۹۱ تا ۹۳ می‌باشد. متغیر وابسته‌ی تحقیق عملکرد مالی می‌باشد که بر مبنای رشد درآمد، رشد سود عملیاتی، رشد سود خالص، بازده دارایی‌ها و بازده حقوق صاحبان سهام تعیین شده است. متغیرهای مستقل نیز؛ شامل ترکیب هیات مدیره، ساختار مالکیت و افشای اطلاعات و متغیرهای کنترلی اندازه و اهرم مالی می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد، بین افشای اطلاعات و عملکرد مالی شرکت‌ها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، اعضای غیرموظف هیات مدیره، سهام شناور آزاد، افشای اطلاعات، عملکرد مالی و ساختار مالکیت

۱. مقدمه

با جدایی مالکیت از مدیریت شرکت ها، این امکان به وجود می آید که مدیران تصمیم هایی اتخاذ نمایند که در راستای منافع خود و مغایر با منافع سهام داران باشد. (سعید باقرزاده، ۱۳۸۲) تضاد منافع که از آن به عنوان «مساله‌ی نمایندگی» تعبیر می‌شود، ناشی از دو علت عمده است: اول اینکه هر یک از صاحب نفع‌های شرکت های سهامی عام ترجیحات متفاوتی دارند و دیگر این که هیچ کدام اطلاعات کاملی در مورد اقدام ها، دانش و ترجیحات دیگری ندارد. (هیگز، ۲۰۰۵)

رسوایی های گسترده مالی اخیر در شرکت هایی؛ چون انرون، ورلد کام، آدلفی و افزایش بحران ها و جرایم مالی در موارد مشابه دیگر در سطح جهان، به مساله نمایندگی مربوط می‌باشد. بر همین اساس، جهت کاهش جرایم مالی و بهبود عملکرد شرکت‌ها باید سازوکارهای نظارتی ایجاد کرد که با اجرای آن فاصله‌ی ایجاد شده بین مالکیت و کنترل کاهش یابد. از جمله چنین سازوکارهای نظارتی، طراحی و اجرای نظام حاکمیت شرکتی می باشد.

مبانی اولیه‌ی نظام حاکمیت شرکتی، از اوایل دهه ی ۱۹۹۰ با تهیه گزارش کاربردی در انگلیس، گزارش دی در کانادا و مقررات هیات مدیره در جنرال موتورز آمریکا، شکل گرفت. در جولای ۲۰۰۲، ایالات متحده در پاسخ به شکست‌های مالی ذکر شده قانون ساربینز- اکسلی را منتشر کرد. این قانون، حاوی ترمیم‌هایی در محافظت از حقوق سرمایه گذاران از طریق بهبود روشهای شفاف سازی در شرکت‌ها می‌باشد. در این راستا، گزارش های مشابهی؛ مانند گزارش برل و مینز در سال ۱۹۳۲) و گزارش اسمیت در بریتانیا منتشر شد.

نظام حاکمیت شرکت، به عنوان یک نظام مرتبط کننده چند شاخه‌ی علمی از قبیل؛ حسابداری، اقتصاد مالی و حقوق و با حفظ تعادل میان اهداف اجتماعی و اقتصادی و اهداف فردی و جمعی موجب ترغیب و تقویت استفاده‌ی کارآمد از منابع و الزام پاسخگویی شرکت‌ها در قبال سایر صاحب نفع‌های خود می‌گردد. از جهت دیگر اجرای نظام حاکمیت شرکتی می‌تواند باعث اختصاص بهینه‌ی منابع و ارتقای شفافیت اطلاعات و در نهایت رشد توسعه اقتصادی گردد (جان و سنبِت، ۱۹۹۸)

علاوه بر این نظام حاکمیت شرکتی به عنوان یکی از مهمترین سازوکارهای کنترلی و نظارتی می تواند عامل مهمی در جهت برپایی عدالت گردد. ایجاد و اجرای نظام حاکمیت شرکتی برای کشورهایی که قصد اجرای برنامه‌های خصوصی سازی به ویژه از طریق انتشار سهام را دارند، به صورت یک الزام سیاسی و اقتصادی است. اگرچه سطح مالکیت شرکت های سهامی بزرگتر، در کل جامعه ی ایران فراگیر نشده است اما، واگذاری سهام عدالت و تحقق شعار عدالت محوری در سطح جامعه، ضرورت توجه به نظام حاکمیت را نشان می دهد.

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی ابعاد ششگانه زیر را برای نظام حاکمیت شرکتی با هدف افزایش توان و انسجام قوانین در کشورها و به حداقل رساندن تعارض های موجود در قوانین کشورهای مختلف، ارایه داده است که مبنای بسیاری از بررسی ها و تحقیق ها و مورد استفاده ی گسترده ی کشورها و سازمانهای مختلف ملی و بین المللی قرار گرفته است. ابعاد اصلی قابل بررسی برای سنجش وضعیت حاکمیت شرکتی، عبارتند از:

۱. کسب اطمینان نسبت به چارچوب حاکمیت شرکتی اثر بخش
 ۲. حقوق سهام داران و وظایف اصلی مالکیت
 ۳. رفتار عادلانه نسبت به سهام داران
 ۴. نقش صاحب نفع ها در حاکمیت شرکتی
 ۵. شفافیت مالی و افشای اطلاعات
 ۶. ترکیب هیات مدیره
- هر یک از ابعاد ذکر شده در بالا می تواند بر کلیت چارچوب حاکمیت شرکتی اثر داشته باشد و آن را تقویت و یا تضعیف کند. یکی از مهمترین ابعاد مورد بررسی، نقش صاحب نفع ها در حاکمیت شرکتی می باشد. می توان با مشارکت دادن صاحب نفع ها شرکت از طریق سازوکارهایی در ساختار مالکیت، ترکیب هیات مدیره و همچنین قراردادهای شرکت بر عملکرد شرکت تاثیر گذار بود.
- یکی از روش های حل مشکل قراردادهای بین شرکت و صاحب نفع ها این است که از طریق مالکیت، رابطه ی بین شرکت و صاحب نفع ها به هم نزدیک شود. به عبارت دیگر، صاحب نفع ها در مالکیت شرکت سهم شوند، با مشارکت صاحب نفع ها در شرکت، آنها اهمیت بیشتری برای روابط و قراردادهایی که با شرکت دارند، قایل خواهند بود لذا، در اثر منافی که برای این صاحب نفع ها حاصل می شود، اثر مثبت بر عملکرد شرکت قابل انتظار است.
- روش دوم ترکیب هیات مدیره است. در شرکت هایی که مالکیت جدا است، مسئولیت تعریف و تغییر ارزش شرکت به مدیریت شرکت واگذار می شود. مشارکت صاحب نفع ها در این زمینه، ممکن است از طریق انتصاب عضو غیر موظف از طرف آنها در هیات مدیره، باشد. حتی ممکن است که اعضای هیات مدیره گروه های مالکیت دیگری را نیز جزء اعضای هیات مدیره انتخاب کنند. لذا با مشارکت دادن صاحب نفع ها در هیات مدیره، می توان بر عملکرد شرکت ها تاثیر گذاشت.
- صاحب نفع ها سوم، افزایش قابلیت اطمینان صاحب نفع ها از طریق آگاهی از قراردادهای شرکت و اطلاع رسانی نسبت به قراردادها، حاصل می شود. به عبارت دیگر، در این روش، صاحب نفع ها با مشارکت در این قراردادها (قراردادهایی که شرکت مشخص می کند) و در نتیجه ی افزایش اطلاعات آنها نسبت به

قابلیتهای شرکت و در نتیجهی قابلیت اطمینان آنها به شرکت، باعث اثر گذاری بر عملکرد شرکت می شوند. با توجه به مطالب ذکر شده به نظر می رسد بررسی رابطهی هیات مدیره، شفافیت اطلاعات و ساختار مالکیت با عملکرد شرکت ها از اهمیت بالایی برخوردار است بر این اساس، پرسش های پژوهش به شرح زیر بیان می شود:

- آیا ترکیب هیات مدیره بر عملکرد شرکت موثر است؟
- آیا ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت موثر است؟
- آیا افشای اطلاعات بر عملکرد شرکت موثر است؟

۲. ادبیات موضوع

مفهوم حاکمیت شرکتی، از واژه لاتین Gubernare به معنای «هدایت کردن»، مشتق شده است، که معمولاً برای هدایت یک کشتی به کار می رود. تعاریف حاکمیت شرکتی بسیار گسترده می باشد. در یک بیان می توان تعاریف ذکر شده را به دیدگاه محدود که تعاریف را در رابطه ی بین سهام داران و شرکت محدود می کند و دیدگاه گسترده که به بیان رابطه ی شرکت با سایر صاحب نفع ها از جمله سهام داران می پردازد، تقسیم بندی نمود (یحیی حساس یگانه، ۱۳۸۷)

در چارچوب تئوری نمایندگی، سیستم بازار به گونه ای ساماندهی می گردد که مالکان شرکت ها، اداره شرکت را به مدیران شرکت واگذار می نمایند و بر همین اساس، جدایی مالکیت از مدیریت موجب ایجاد مساله ی نمایندگی می شود. اگرچه راس برای اولین بار این موضوع را بررسی نمود، ولی جزئیات مبانی نظری آن اولین بار از طریق جنسن و مک لینگ (۱۹۹۶) مطرح گردید.

به زعم آنان، رابطه ی نمایندگی عبارت است از: قراردادی که طی آن کارگزار شخص دیگری (کارگزار) را به استخدام در می آورد. طی این قرار داد، کارگزار، میزانی از قدرت تصمیم گیری را در اختیار کارگزار قرار می دهد. در شرایطی که هم کارگزار و هم کارگزار، به دنبال افزایش منافع خود هستند، کارگزار همیشه برای حداکثر کردن منافع کارگزار تلاش نخواهد کرد. مساله ی نمایندگی بیان می کند که آیا کارگزار، ثروت کارگزار را افزایش می دهد؟ (فراست و همکاران، ۲۰۰۰) دلایل اصلی اقدام های متفاوت کارگزار و کارگزار، تفاوت نگرش آن ها به ریسک، سود تقسیمی و افق دید است.

۳. نگرش به ریسک (خطر کردن) از آنجایی که کارگزار، توانایی متنوع سازی پرتفوی سرمایه گذاری خود دارد، می تواند ریسک خود را به حداقل برساند. سهام دار (کارگزار) تنها به میزان سهام خود مسوول کاهش ارزش شرکت در آینده است و منافع سهام دار در صورتی که مدیریت در پروژه های مطمئن، اما توأم با ریسک، سرمایه گذاری کند، تامین خواهد شد. اما مدیران ترجیح می دهند تا در پروژه هایی با بازده

و ریسک کمتر سرمایه گذاری کنند، چرا که تخصص مدیریتی آنان که ارزشمندترین دارایی آنان است، در یک شرکت سرمایه گذاری شده است و سرمایه گذاری در پروژه های با ریسک بالا، ریسک از دست دادن شغل برای مدیر به همراه دارد. از این رو، مدیران ترجیح می دهند ریسک تملک خود را به حداقل برسانند، تا اینکه به حداکثر کردن ثروت سهام دار بپردازند.

ثروت مدیران، در بر گیرنده ی حق تلاش خدمت آنهاست و مدیر در مقابل ریسک کل شرکت تهدید می گردد، لذا ممکن است دست به اقداماتی بزند که ریشک را کاهش دهد. (آلن چنگ و همکاران، ۲۰۱۱). تفاوت دیگر بین سهام داران و مدیران، ناشی از نگهداری و یا تقسیم سود است. مدیران به منظور پرداخت جبران خدمت و منافع شخصی و یا افزایش میزان قدرت خود، از پرداخت کل سود به سهام داران امتناع می ورزند در صورتی که فرصت سرمایه گذاری با بازده بیشتر برای سهام دار در خارج از شرکت وجود دارد. سهام دار، به میزان تفاوت بین نرخ بازده در داخل و خارج از شرکت، متحمل زیان می گردد. (فراست و همکاران، ۲۰۰۰)

مساله ی افق دید یا نگرش به افق زمانی که عامل دیگری برای اقدامات متفاوت مدیر و سهام دار است، ناشی از تفاوت در افق دید زمانی آنها است. سهام داران به جریان های نقدی آتی شرکت، علاقه مند هستند، اما مدیران به خصوص مدیرانی که قصد انتقال به شرکت دیگری را دارند، به افزایش ظاهری سودآوری شرکت در کوتاه مدت، اقدام می کنند. (فراست و همکاران)

الکساندر فان ناندلستاده و متس روزنبرگ (۲۰۰۶) در تحقیق های خود دریافته اند به نسبت شرکت های دارای نظام نامطلوب حاکمیت شرکتی، شرکت هایی که حاکمیت شرکتی را به طور مناسب اجرا می کنند از بازده سهام، ارزش شرکت و نسبت جریان نقدی از دارایی بالاتری برخوردار هستند

تحقیق آلن چنگ ایک لنگ (۲۰۱۱) بر رابطه ی مستقیم بین درصد مالکیت سرمایه گذاران نهادی در شرکت و درآمد شرکت اشاره دارد. تحقیق لورنس بران و مارکوس کایلر (۲۰۰۴) نشان می دهد که بین بازده دارای ها و حسابرسی، هیات مدیره، آیین نامه و مقررات، سطح تحصیلات هیات مدیره، سهام دار کردن مدیر عامل و هیات مدیره، ساختار مالکیت، سن الزامی بازنشستگی اعضای هیات مدیره و استقلال شرکت رابطه ی معناداری وجود دارد. اما تنها شاخص های هیات مدیره، ساختار مالکیت، سطح تحصیلات هیات مدیره، سهام دار کردن مدیر عامل و هیات مدیره و سن الزامی بازنشستگی اعضای هیات مدیره رابطه مستقیمی با بازده دارایی ها می باشند. بن و همکاران به این نتیجه رسیدند که تعداد اعضای هیات مدیره، بر عملکرد شرکت تاثیر گذار است. نتایج تحقیق فانگ مان یو (۲۰۰۳) نشان می دهد که بین مالکیت خارجی و نسبت فروش به دارایی رابطه مستقیم معنادار وجود دارد ولی بین سایر متغیرهای مستقل، یعنی مالکیت داخلی، مالکیت دولتی، تمرکز مالکیت و ترکیب هیات مدیره با متغیر وابسته رابطه معناداری وجود ندارد.

آبه دی جونگ و همکاران (۲۰۰۸) دریافتند که متوسط تعداد اعضای هیات مدیره و درصد اعضای غیر موظف در شرکت های بلژیکی بیشتر از دو کشور انگلستان و هلند است. آنها همچنین به این نتیجه رسیدند که ارتباط شاخص های عملکرد با معیارهای حاکمیت شرکتی در کشورها متفاوت است. فوزبرگ (۱۹۸۹) دریافت که بین میزان حضور اعضای غیر موظف و متغیرهای عملکرد؛ چون فروش، تعداد کارکنان و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه ی معناداری وجود ندارد. اونس (۲۰۰۵) و باگاتو بلاگ (۲۰۰۲) نیز؛ مانند فوزبرگ به نتایج مشابهی در ارتباط با رابطه ی بین درصد حضور اعضای غیرموظف و متغیرهای عملکرد دست یافتند. در حالی که بر خلاف تحقیق های فوزبرگ، در تحقیق پاتلر و بایسینگر (۱۹۸۵) و روزنشن و ویات (۱۹۹۰) رابطه ی معناداری بین درصد حضور اعضای غیر موظف و متغیرهای عملکرد Q توبین، بازده دارایی، گردش دارایی و بازده سهام یافت نشد. انگل (۲۰۰۱) در تحقیق های خود به یک رابطه ی معکوس بین اندازه ی هیات مدیره و سودآوری، مطلوبیت دارایی و ارزش شرکت دست یافت. او همچنین نشان می دهد، هنگامی که مدیر عامل و رئیس هیات مدیره از هم جدا باشد ارزش شرکت افزایش می یابد.

یکی از عوامل تناقض در نتایج تحقیقات می تواند گوناگونی بافت فرهنگی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی سایر کشورها باشد و از آنجا که حاکمیت شرکتی یک نظام بین رشته ای است و ارتباط دهنده ی علوم اقتصاد، حقوق، مالی و حسابداری می باشد، در نتیجه تناقض در نتایج نیز طبیعی به نظر می آید.

روش شناسی تحقیق

فرضیه های تحقیق

فرضیه اول: بین ترکیب اعضای هیات مدیره و عملکرد شرکت رابطه ی معناداری وجود دارد.

ترکیب هیات مدیره به عنوان ابزاری کنترلی در شرکت، تعیین کننده قدرت هیات مدیره است. لذا، ترکیب هیات مدیره، عامل مهمی در تبیین توانایی اعضای برای انجام وظایف و عملکرد شرکت می باشد (زهرا و پیرس ۲۰۰۸) یکی از اصول مهم حاکمیت شرکتی، هیات مدیره ی شرکت است. هیات مدیره، با استفاده از قدرت قانونی خود از طریق استخدام، اخراج و جبران گروه های مدیریت سازمان، مقدمات کنترل مدیریت را فراهم می سازد.

میلیگرام (۱۹۹۷) نشان داد که انسان اشتیاق ذاتی به اطاعت از قدرت دارد. او اعتقاد دارد که اطاعت غیر ارادی افراد؛ مانند مدیران اجرایی شرکت که از قدرت قانونی برخوردار می باشند، جزء انسان است. این واکنش غیر ارادی، اعضای هیات مدیره را به فرمانبرداری از مدیر عامل و می دارد و چون با مفاهیم

اخلاقی؛ همچون وفاداری، اعتماد و تعهد در ارتباط است، غلبه بر آن مشکل خواهد بود. او پیشنهاد می کند که اعضای مستقل، اعضای غیر موظف هیات مدیره ها و کمیته هایی که تمام اعضای آنها مستقل باشند، به رهایی هیات مدیره از اطاعت غیر ارادی کمک می کنند.

از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیر موظف و مستقل در هیات مدیره ی شرکت ها، به کاهش تعارض های منافع سهام داران و مدیریت شرکت کمک می کند. چرا که مدیران غیر موظف با داشتن رای مستقل، نقش نظارتی را ایفا می نمایند. با توجه به مطالب ارایه شده یکی از فرضیه های این مقاله، سعی در تبیین رابطه ی بین ترکیب هیات مدیره شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و شاخص های مختلف عملکرد مالی شرکت می باشد.

فرضیه ی دوم: بین ساختار مالکیت و عملکرد مالی شرکت، رابطه ی معناداری وجود دارد.

یکی از مهمترین ابعاد حاکمیت شرکتی نقش صاحب نفع ها، از جمله سهام داران شرکت می باشد. اعمال کنترل و نظارت از سوی سهامداران به ویژه، سهام دارانی که به طور مستقیم عضو هیات مدیره دارند، بالقوه به عنوان یک ابزار نظارتی جهت بهبود عملکرد مورد توجه قرار دارد. انتظار می رود هر چه قدرت سهام داران برای نظارت بر فرایند شرکت و گزارشگری مالی بیشتر باشد، عملکرد شرکت نیز بهبود یابد. مالکیت صاحب نفع ها در قالب میزان توانایی آنها بر اعمال کنترل منابع اقتصادی شرکت، تغییر مدیران ناکارآمد و نظارت بر مدیران شرکت منعکس می شود.

تمرکز مالکیت از یک طرف، باعث هم سو کردن منافع مدیران و منافع گروه سهام داران گردیده و از طرف دیگر، موجب دسترسی سهام داران پر قدرت به اطلاعات محرمانه و ایجاد عدم تقارن اطلاعاتی بین سهام داران پر قدرت و سایر سهام داران می شود. بر اساس دیدگاه تئوری صاحب نفع ها، قدرت مدیران تابعی از میزان مالکیت آنها در شرکت می باشد. تحقیق های اخیر نشان داده است، مالکان بزرگ و قدرتمند در یک شرکت نیرویی برای حداکثر سازی ثروت دارایی های سهام داران می باشد. مشارکت دادن صاحبی نفع های شرکت در ساختار مالکیت باعث می گردد که آنها اهمیت بیشتری بر روابط و قراردادهایی که با شرکت دارند، قایل شوند و در نتیجه عملکرد شرکت بهبود خواهد یافت.

در این مقاله، سهم شناور به عنوان شاخصی است که ساختار مالکیت را از لحاظ تمرکز مالکیت تبیین می کند. به نظر می رسد هر چه درصد سهم شناور آزاد بیشتر باشد، تقارن اطلاعاتی بیشتر و توزیع مالکیت کمتر می شود و در نتیجه منافع سایر سهامداران به هم نزدیک شده و منجر به توزیع عادلانه ی حقوق و بهبود عملکرد می گردد. لذا رابطه ی بین ساختار مالکیت به عنوان یکی از مهمترین ابعاد حاکمیت شرکتی و بهبود مالی در فرضیه ی دوم بررسی می شود.

فرضیه‌ی سوم: بین شفافیت اطلاعات و عملکرد شرکت رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

یکی از مهمترین ابعاد حاکمیت شرکتی، افشای اطلاعات و شفافیت مالی است. افشای صحیح و مناسب اطلاعات مالی؛ از جمله ارایه‌ی پیش‌بینی‌های به موقع و دقیق سود، مساله نمایندگی را با پر کردن شکاف عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهام‌داران تعدیل می‌نماید. پیش‌بینی‌های دقیق و به موقع، موجب بهبود تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از گزارش‌های حسابداری می‌شود. افشای مالی ضعیف، موجب گمراه شدن سهام‌داران می‌شود و اثر نامطلوبی بر ثروت آنان دارد. تجزیه و تحلیل نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد که افزایش عدم تقارن اطلاعات بین مدیران و سهام‌داران شرکت، با کاهش تعداد سرمایه‌گذاران و پایین آمدن قدرت نقد شوندگی اوراق بهادار، کم شدن حجم معامله‌ها و به طور کلی با کاهش منافع اجتماعی از محل این داد و ستدها رابطه‌ی مستقیم دارد.

اطلاع‌رسانی می‌تواند تقارن اطلاعاتی را تقویت کند و در نتیجه کنترل و نظارت بر شرکت بیشتر شده و کنترل و بهبود عملکرد تسهیل می‌گردد. عملکرد شرکت‌ها، متأثر از قراردادهای رسمی و معامله‌می باشد، در نتیجه اطلاع‌صاحب‌نفع‌ها از قراردادهای موجب می‌شود، تفزایش اطلاعات و اطمینان آنان نسبت به شرکت افزایش یابد و به دنبال آن عملکرد شرکت بهبود خواهد یافت.

متغیرهای تحقیق**متغیر وابسته**

در این مقاله، عملکرد به عنوان متغیر وابسته‌ی تحقیق در نظر گرفته شده است. معیارها و شاخص‌های تبیین‌کننده عملکرد مالی شرکت عبارت است از:

رشد درآمد: معادله‌ی محاسباتی رشد درآمد نمونه‌ها عبارت است از:

$$\text{درآمد سال } t-1 / \left[(\text{درآمد سال } t-1) - (\text{درآمد سال } t) \right] = \text{رشد درآمد سال } t$$

با توجه به اینکه دوره‌ی تحقیق سه سال می‌باشد، رشد درآمد، جهت محاسبه‌ی عملکرد به صورت میانگین هندسی محاسبه شده است.

رشد سود عملیاتی: معادله‌ی محاسباتی رشد سود عملیاتی نمونه‌ها عبارت است از:

$$\text{سود عملیاتی سال } t-1 / \left[(\text{سود عملیاتی سال } t-1) - (\text{سود عملیاتی سال } t) \right] = \text{رشد سود عملیاتی سال } t$$

با توجه به اینکه دوره‌ی تحقیق سه سال می‌باشد، رشد سود عملیاتی جهت محاسبه‌ی عملکرد به صورت میانگین هندسی محاسبه شده است.

رشد سود خالص: معادله‌ی محاسباتی رشد خالص نمونه‌ها عبارت است از:

$$\text{سود خالص سال } t-1 = \left[(\text{سود خالص سال } t-1) - (\text{سود خالص سال } t) \right] / \text{رشد سود خالص سال } t$$

با توجه به اینکه دوره ی تحقیق سه سال می باشد، رشد سود خالص جهت محاسبه ی عملکرد به صورت میانگین هندسی محاسبه شده است.

بازده دارایی ها: بازده مجموع دارای ها (ROA) از طریق رابطه ی زیر محاسبه شده است.

$$\text{مجموع دارایی ها در پایان دوره ی مالی} / \text{سود عملیاتی دوره مالی} = \text{ROA}$$

ROA هر شرکت جهت محاسبه ی عملکرد، میانگین حسابی بازده مجموع دارایی های محاسبه شده طی سه سال ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ می باشد.

بازده حقوق صاحبان سهام: بازده حقوق صاحبان سهام (ROE) از طریق رابطه ی زیر محاسبه شده است:

$$\text{حقوق صاحبان سهام در پایان دوره مالی} / \text{سود خالص دوره ی مالی پس از کسر مالیات} = \text{ROE}$$

ROE هر شرکت جهت محاسبه ی متغیر عملکرد، میانگین حسابی بازده حقوق صاحبان سهام محاسبه شده طی سه سال ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ می باشد

پس از محاسبه متغیرهای مذکور، شرکت های نمونه را بر اساس هر متغیر رتبه بندی می نماییم. بدین ترتیب، هر نمونه دارای پنج رتبه بر اساس رشد سود عملیاتی، سود خالص، بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام می باشد. سپس رتبه های مذکور را جهت محاسبه شاخص عملکرد به صورت زیر با یکدیگر جمع می نماییم.

$$\frac{1}{\text{رتبه ی رشد درآمد}} + \frac{1}{\text{رتبه ی رشد سود عملیاتی}} + \frac{1}{\text{رتبه ی رشد سود خالص}} + \frac{1}{\text{رتبه ی ROA}} + \frac{1}{\text{رتبه ی ROE}} = \text{رتبه ی عملکرد}$$

اعداد حاصل را مجدداً رتبه بندی کرده تا رتبه ی کلی عملکرد هر نمونه حاصل شود.

متغیرهای مستقل

ترکیب اعضای هیات مدیره

در این تحقیق، نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره بر کل اعضاء شاخص ترکیب هیات مدیره می باشد. عضو غیر موظف هیات مدیره، عضو پاره وقت هیات مدیره است که از شرکت حقوق ثابت ماهانه یا سالانه دریافت نمی کند. از تقسیم تعداد اعضای غیر موظف در زمان مجمع عادی سالانه به تعداد کل اعضای هیات مدیره، نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره به دست می آید.

با توجه به دوره تحقیق، این نسبت در طول سه مقطع زمانی محاسبه شده است. سپس میانگین حسابی سه مقطع محاسبه گردیده است.

ساختار مالکیت

سهم شناور آزاد به عنوان شاخص ساختار مالکیت از لحاظ تمرکز مالکیت می باشد. سهم شناور آزاد، تعداد سهمی است که انتظار می رود در آینده نزدیک قابل معامله باشد، یعنی در مالکیت کسانی است که آماده اند در صورت دریافت پیشنهاد مناسب، آن را بفروشند. در حقیقت درصد سهم شناور آزاد درصد سهامی است که در اختیار سهام دار راهبردی نباشد. اطلاعات مربوط به درصد سهم شناور آزاد از اطلاعیه های سازمان بورس اوراق بهادار تهران استخراج گردیده است. سازمان بورس اوراق بهادار در هر سال در چهار مقطع زمانی اقدام به انتشار اطلاعیه ی مربوط به هر سال جهت انتخاب درصد سهم شناور آزاد در سه سال، به عنوان درصد سهم شناور آزاد در نظر گرفته شده است.

افشای اطلاعات

جهت اندازه گیری و رتبه بندی شرکت ها از لحاظ اطلاع رسانی، از مرحله ای که سازمان بورس اوراق بهادار تهران با توجه به ماده ی پنجم آیین نامه ی افشای اطلاعات جهت رتبه بندی شرکت ها از لحاظ اطلاع رسانی ارایه می دهد، استفاده شده است. برای امتیازدهی و در نهایت رتبه بندی شرکت ها از لحاظ اطلاع رسانی و شفافیت اطلاعات از دو عامل سرعت اطلاع رسانی و دقت اطلاع رسانی به شرح زیر استفاده شده است.

طبق مقررات بورس اوراق بهادار، اطلاعات مورد نیاز شرکت های تولید مشتمل بر، پیش بینی درآمد هر سهم شامل پیش بینی 12,9,6,3 ماهه و اطلاعات میان دوره ای صورتهای مالی شامل 12,9,6,3 ماهه حسابرسی نشده و ۶ ماهه حسابرسی شده می باشد. بر اساس آیین نامه ی موجود، اطلاع رسانی جهت اطلاعات میان دوره ای حسابرسی نشده 9,6,3 ماهه ۳۰ روز و اطلاعات میان دوره ای ۶ ماهه ی حسابرسی شده و ۱۲ ماهه ی حسابرسی نشده ۴۵ روز می باشد. (دستور العمل اجرایی افشای اطلاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان بورس، ۱۳۸۹)

تاخیر در اطلاع رسانی (x) امتیاز اکتسابی (کسب شده)

۹۰	انعکاس امتیاز در مهلت قانونی
۸۰	$0 < x \leq 15$
۷۰	$15 < x \leq 30$
۵۰	$30 < x \leq 45$
۴۵	$45 < x \leq 60$
۲۵	$x > 60$

علاوه بر امتیاز داده شده، ضریب های اهمیت بر اساس دستورالعملی که سازمان جهت محاسبه ی رتبه اطلاع

رسانی از آن استفاده می کند، به شرح زیر می باشد:

ضریب اهمیت پیش بینی درآمد هر سهم برابر است با ۱

ضریب اهمیت اطلاعات میان دوره ای حسابرسی شده برابر است با ۰/۰۷۵

ضریب اهمیت اطلاعات میان دوره ای حسابرسی نشده برابر است با ۱

همان طور که مشخص است پیش بینی درآمد هر سهم و اطلاعات میان دوره ای حسابرسی شده، دارای

اهمیت بیشتری هستند.

ویژگی دقت در اطلاع رسانی، قابلیت اتکای اطلاعات را نشان می دهد. برای محاسبه، ابتدا میانگین درصد

تفاوت پیش بینی درآمد هر سهم در طول سال با درآمد واقعی هر سهم محاسبه می گردد، سپس

عدد به دست آمده از ۱۰۰ کسر شده و امتیاز مرتبط با دقت اطلاع رسانی به دست می آید. به عبارت دیگر:

میانگین درصد تفاوت پیش بینی درآمد هر سهم در طول سال، با درآمد واقعی هر سهم -۱۰۰- دقت اطلاع

رسانی

با توجه به دو عامل سرعت اطلاع رسانی و دقت اطلاع رسانی، امتیازها به صورت زیر تعدیل می گردند:

اگر y را امتیاز دقت اطلاع رسانی در نظر بگیریم آنگاه:

اگر $y > 0/۰۷۵$ آنگاه امتیاز اطلاع رسانی شرکت همان امتیاز اکتسابی در سرعت اطلاع رسانی

می باشد.

اگر $0/۰۷۵ \leq y < ۰/۰۵۰$ آنگاه امتیاز اولیه $0/۰۶۵ \times$

اگر $0/۰۵۰ \leq y < ۰/۰۲۵$ آنگاه امتیاز اولیه $0/۰۴۵ \times$

اگر $y \leq ۰/۰۲۵$ آنگاه امتیاز اولیه $0/۰۲۵ \times$

متغیرهای کنترلی

طبق تحقیق های انجام شده، اندازه ی شرکت و اهرم مالی شرکت به عنوان متغیرهای کنترلی جهت کنترل سایر عوامل موثر بر عملکرد شرکت، در نظر گرفته شده است.

اندازه ی شرکت

در این تحقیق، مجموع دارایی های شرکت در تاریخ پایان دوره ی مالی به عنوان شاخص اندازه شرکت در نظر گرفته شده است. جهت محاسبه و بررسی رابطه ی متغیر کنترلی با متغیر وابسته و مستقل، از میانگین حسابی اندازه ی شرکت طی سه سال استفاده شده است.

اهرم مالی

نشان دهنده ی میزان استفاده از بدهی ها در ساختار سرمایه ی شرکت است که از طریق تقسیم کل بدهی ها در پایان دوره مالی هر سال، به حقوق صاحبان سهام در پایان دوره ی مالی همان سال به دست می آید. سپس، از میانگین حسابی اهرم های مالی سه سال جهت بررسی رابطه ی متغیر کنترلی با متغیر وابسته و مستقل استفاده می شود.

جامعه و نمونه

در این پژوهش، جامعه ی آماری کلیه ی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد. قلمرو زمانی تحقیق نیز دوره ی سه ساله از ابتدای سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ می باشد. در ابتدا، کلیه ی شرکت های پذیرفته شده در بورس به عنوان نمونه ی انتخاب، سپس شرکت هایی که حداقل یکی از موارد زیر در مورد آنها صادق باشد از نمونه حذف شده است:

۱. از سال ۱۳۹۱ به بعد، در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.
۲. طی سال های مالی ذکر شده، تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی داده باشد.
۳. شرکت هایی که دوره مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه نباشد، به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه از نمونه حذف شده است.
۴. بانک ها و موسسه های مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، شرکت های مادر و شرکت های لیزینگ)
۵. داده های مورد نیاز برای محاسبه متغیرها در مورد آنها در دسترس نباشد.

با توجه به این موارد، ۸۰ شرکت در دوره ی زمانی ۱۳۹۱-۱۳۹۳ به عنوان نمونه تعیین شد. از آنجایی که این تحقیق سعی در تبیین رابطه ی همبستگی بین ابعاد نظام ساختار مالکیت در حاکمیت شرکتی با عملکرد شرکت دارد، به همین علت از مدلهای همبستگی برای آزمون فرضیه ها استفاده می نماییم. با توجه به رتبه ای بودن داده ها جهت آزمون فرضیه ی صفر (استقلال دو متغیر مستقل و وابسته) از روش آماری ضریب همبستگی رتبه ای اسپیرمن (که یک روش ناپارامتریک است) استفاده شده است و جهت سنجش تاثیر متغیرهای کنترلی بر روابط نیز از آزمون استقلال کای دو بهره گرفته شده است.

آزمون فرضیه

فرضیه ی اصلی پژوهش، بررسی رابطه ی بین ابعاد حاکمیتی شرکتی ساختار مالکیت و عملکرد مالی شرکت می باشد. فرضیه ی اصلی به سه فرضیه ی فرعی تقسیم و با استفاده از ضریب همبستگی رتبه ای آزمون شده است.

ترکیب اعضای هیات مدیره و عملکرد شرکت

جهت تبیین ترکیب هیات مدیره، از نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای استفاده شده است. برای آزمون فرضیه ی مربوط، عملکرد به عنوان متغیر وابسته و ترکیب اعضای هیات مدیره ی متغیر مستقل می باشد. سطح معناداری مورد قبول برای آزمون ۵ درصد در نظر گرفته شده است. فرض H_0 به معنای عدم همبستگی متغیر وابسته و مستقل و H_1 به معنای همبستگی دو متغیر ذکر شده می باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری (۰/۳۲۳) بیشتر از سطح معناداری مورد قبول (۰/۰۵) می باشد، فرضیه H_0 را نمی توان مردود دانست.

نتیجه این که همبستگی معناداری در سطح اطمینان ۹۵ درصد، بین ترکیب هیات مدیره و عملکرد شرکت وجود ندارد. بدین ترتیب، نتایج این تحقیق نشان می دهد که نقش مدیران غیرموظف مطابق با تئوری نمایندگی نمی باشد، یعنی به عنوان یک عامل حل تضاد بین سهامداران و مدیران نمی باشد و توانایی این ابزار نظارتی در بهبود عملکرد شرکت، ضعف است.

ساختار مالکیت و عملکرد شرکت

درصد سهام شناور آزاد به عنوان معیار ساختار مالکیت (متغیر مستقل) و عملکرد شرکت به عنوان متغیر وابسته می باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری (۰/۱۴۵) بیشتر از سطح معناداری مورد قبول (۵)

درصد) می باشد، فرضیه H_0 رد نمی شود، لذا می توان اظهار داشت در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین ساختار مالکیت و عملکرد و عملکرد شرکت، همبستگی وجود ندارد.

افشای اطلاعات و عملکرد مالی شرکت

فرض H_0 به معنای عدم همبستگی بین افشای اطلاعات و عملکرد شرکت می باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری ۰/۰۱۸ کمتر از سطح معناداری مورد قبول (۵درصد) می باشد، فرض H_0 رد و فرض H_1 تایید می گردد. نتیجه این که، می توان اظهار داشت بین افشای اطلاعات و عملکرد شرکت همبستگی وجود دارد.

جدول ۱. خلاصه ی نتایج آزمون فرضیه ها

فرضیه ها	ضریب	سطح	تعداد	سطح معناداری	نتیجه ی آماری
فرضیه ی اول	۰/۱۱۵	۰/۳۲۳	۸۰	۰/۰۵	عدم پذیرش فرضیه ی
فرضیه ی دوم	۰/۱۴۵	۰/۱۳۵	۸۰	۰/۰۵	عدم پذیرش فرضیه ی
فرضیه سوم	۰/۲۳۶	۰/۰۱۸	۸۰	۰/۰۵	پذیرش فرضیه ی تحقیق

تجزیه و تحلیل چند متغیری

علاوه بر تحلیل های گذشته، با در نظر گرفتن متغیرهای کنترلی، روابط بین متغیر مستقل و وابسته مورد بررسی قرار گرفته است. متغیرهای کنترلی؛ شامل اندازه ی شرکت و اهرم مالی می باشد. شرکت های نمونه بر اساس اندازه شرکت به سه دسته بالا، متوسط، و پایین تقسیم شده است. شاخص های متغیرهای مستقل و وابسته به گروه های مختلف تقسیم بندی گردید. به طوری که نمونه ها بر اساس شاخص عملکرد به سه گروه بزرگ، متوسط و کوچک و بر اساس نسبت اعضای غیر موظف به کل اعضاء به دو گروه بیشتر از پنجاه درصد و بر اساس رتبه ی شفافیت اطلاعات به سه گروه خوب، متوسط و ضعیف و بر اساس شاخص سهام شناور آزاد به چهار گروه تقسیم بندی گردید. سپس، برای متغیر عملکرد و متغیرهای مستقل جدول توافقی تشکیل شد و با آزمون کای دو استقلال متغیرهای وابسته و مستقل بر اساس اندازه و اهرم مالی شرکت آزمون گردیده است. نتایج آزمون نشان می دهد، فرضیه ی صفر تنها در مورد رابطه ی بین عملکرد و افشای اطلاعات با ضریب معناداری ۰/۰۴۹ در شرکت های متوسط رد می شود.

نتیجه گیری

این تحقیق به بررسی عملکرد و اجزای ساختار حاکمیت شرکتی، از جمله ترکیب هیات مدیره، ساختار مالکیت و افشای اطلاعات پرداخت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها نشان می دهد، بین ترکیب هیات

مدیره و عملکرد، رابطه ی معناداری وجود ندارد. به نظر می رسد دلایل احتمالی رد فرضیه های تحقیق به شرح زیر می باشد:

۱- عضویت همزمان اعضای غیر موظف در هیات مدیره چند شرکت، ممکن است باعث کاهش اثر بخشی آنها شود. مورک و همکاران (۱۹۹۳) بیان می کنند، نظارت بر مدیریت ارشد نیازمند تلاش فراوان و اختصاص زمان کافی است. هر چه تعداد شرکت هایی که یک مدیر عضو هیات مدیره آن است بیشتر باشد، مدت زمانی که وی بتواند برای نظارت به هر شرکت اختصاص دهد، کاهش می یابد.

۲- سطح تجربه و تحصیلات و مدت زمان مدیریت افراد متفاوت است. تجربه، تخصص، دانش و پیشینه ی کاری مدیران اجرایی شرکت و آشنایی بیشتر آنها به امور داخلی شرکت می تواند استقلال کمتر اعضا را جبران کند. مدیران غیر موظف ممکن است، دانش و تخصص مورد نیاز به خصوص دانش مالی را نداشته باشند و همین امر ممکن است آنها را در جلوگیری از مواردی؛ مثل بی نظمی ها، اشتباه ها و تقلب، ناکارآمد سازد.

به نظر می رسد، حضور اعضای غیر موظف مدیره به تنهایی کافی نبوده و ممکن است توجه به سایر ویژگیهای اعضای هیات مدیره، اعم از تجربه ی اعضای، سطح تحصیلات، آشنایی با فرایند عملیات شرکت مناسب تر باشد. همچنین نتایج نشان می دهد، بین عملکرد و ساختار مالکیت رابطه ی معناداری وجود ندارد. در ایران، بسیاری از شرکت ها ساختار دولتی یا شبه دولتی دارند. به نظر می رسد این امر موجب شده تا با وجود تمایل به ساختار غیرمتمرکز مالکیت و سهام شناور آزاد، عملکرد شرکت ها در تحت تاثیر ساختار مالکیت قرار نگیرد.

با توجه به وجود رابطه ی بین افشای اطلاعات و عملکرد شرکت در پژوهش حاضر به شرکت های پذیرفته شده در بورس، می توان به این مهم متذکر شد که سرعت و دقت اطلاع رسانی در جهت بهبود عملکرد می تواند موثر باشد. پیش بینی عملکرد شرکت ها از طریق تحلیل گران مالی می تواند این امر را تسهیل کند.

برای بسط بهتر نتایج، رابطه ی شاخص های متغیر عملکرد، یعنی رشد درآمد سود عملیاتی، رشد سود خالص، بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام به طور انفرادی یا متغیرهای مستقل مورد آزمون قرار گرفته است. نتایج (گزارش نشده) نشان می دهد که از میان شاخص های عملکرد تنها بازده دارایی و بازده حقوق صاحبان سهام، با سطح افشای اطلاعات رابطه ی معنادار و مستقیم وجود دارد.

فهرست منابع و مآخذ

فارسی

- ۱- سازمان بورس اوراق بهادار تهران. (۱۳۸۹). دستورالعمل اجرایی افشای اطاعات شرکت های ثبت شده نزد سازمان.
- ۲- باقرزاده، سعید، (۱۳۸۲)، تبیین الگوی ساختار سرمایه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه تحقیقات مالی، سال پنجم، شماره ۱۶
- ۳- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۷). مفاهیم حاکمیت شرکتی، ماهنامه حسابداری.

انگلیسی

- 1- Abe de jong, et al, (2008). Internaional corporate Governance and Firm oerformance:an Empirical Analysis. Journal of financial Economics. 41,173-202
- 2- Alexander Von Nandelstadh and Matts Rosenberg,(2006). Corporate Governance Mechanisms and firm performance :Evidence from finland. Working paper,Helsinki,finland, December 5.
- 3- Allan chang Aik Leng, (2011). The Impact of cororat Governance practices on firms financial performance:Evidence from Malaysian componies. Evidence from Malaysian componies. Asean Economic Bulletin,Dec,21,3,ABI/INFORM GLOBAL,PG. 308
- 4- Bhagat,sanjai and Bernard,G. (2009). Modern corporateion and private property. New YORK:macmillan.
- 5- Engle R. (2001). "Autoregressive conditional Heteroscedasticity with estimates of the variance of united kindom inflation" Econometrica, Vol5
- 6- Evans M. , and P. Wachtel(2005). "Inflation Regimes and the Sources of Inflation Uncertainty", Journal of Money, Credit, and Banking, 25